



کتاب مقدس خود را باز کنید و به صفحه‌ای بروید که فهرست کتاب‌های آن را در خود دارد. آن صفحه، خود یکی از کتاب‌های مقدس نیست. هیچ رسولی آن را ننوشته است. آن صفحه همراه با دیگر نوشته‌های مقدس از آسمان نازل نشده است. و حقیقت این است که برای بخش بزرگی از تاریخ مسیحیت، چنین صفحه‌ای اصلاً وجود نداشت. کمی به این فکر کنید که نخستین مسیحیان چه چیزی در برابر خود داشتند. نامه‌هایی که از شهری به شهر دیگر برده می‌شدند و با دست، نسخه‌برداری می‌شدند. انجیل‌هایی که نوشته می‌شدند و با گسترش کلیساها، از جماعتی به جماعت دیگر می‌رسیدند. در مناطق مختلف، مجموعه‌های متفاوتی از نوشته‌ها وجود داشت؛ زیرا هر کلیسا تنها می‌توانست آنچه را که به دستش رسیده بود بخواند. آنها تعمید می‌دادند. مژده انجیل را اعلام می‌کردند. در روز یکشنبه گرد هم می‌آمدند و در راز مقدس عشاء ربانی شرکت می‌کردند. و برای ایمان به مسیح، به شهادت می‌رسیدند. همه اینها نسل‌ها پیش از آن اتفاق می‌افتاد که فهرستی نهایی و یکسان از کتاب‌های عهد جدید در سراسر کلیسا تثبیت شود. حتی برخی از کتاب‌هایی که امروز برای ما کاملاً بدیهی و آشنا هستند، مدت‌ها محل بحث و تشخیص بودند.

از سوی دیگر، نوشته‌هایی نیز وجود داشتند که بسیاری از مسیحیان آنها را می‌خواندند، دوست می‌داشتند و از آنها بهره می‌بردند، اما در نهایت در مجموعه کتاب‌های مقدس قرار نگرفتند.

کلیسا این امر را به‌تدریج تشخیص داد؛ در زندگی و عبادت کلیسا، در شهادت اسقفان و شوراها، و در پرتو همان ایمانی که از رسولان دریافت کرده بود.

فهرست کتاب مقدس نبود که زندگی کلیسا را پدید آورد.

بلکه زندگی کلیسا بود که در بستر سنت رسولی، کتاب‌هایی را که صدای ایمان رسولی را به‌درستی بیان می‌کردند، شناخت و به رسمیت شناخت.

و این حقیقت، بیش از آنکه مایه نگرانی باشد، می‌تواند مایه آرامش ما باشد.

زیرا همان کلیسایی که تحت تعقیب بود، همان کلیسایی که فرزندان خود را تعمید می‌داد، همان کلیسایی که در روز یکشنبه گرد هم می‌آمد و نان را در راز مقدس عشای ربانی می‌شکست، همان کلیسایی است که کتاب‌های مقدس را شناخت، حفظ کرد و به نسل‌های پس از خود سپرد.

کلیسا صدای مسیح و شهادت رسولان را شناخت؛ زیرا از همان آغاز، در زندگی نیایشگرانه و مقدس خود، پیوسته به این صدا گوش سپرده بود.

پس شاید پرسش اصلی این نباشد که:

آیا می‌توانیم به کتاب مقدس اعتماد کنیم؟

بلکه پرسش عمیق‌تر این باشد:

آیا می‌توانیم به کلیسایی اعتماد کنیم که این کتاب مقدس را به ما سپرد؟

و پاسخ ایمان ارتدوکس این است که کتاب مقدس را نمی‌توان جدا از کلیسا، سنت مقدس و زندگی بدن مسیح فهمید؛ زیرا همین کلیسا، در طول قرن‌ها، کلام الهام‌شده خدا را حفظ کرد، خواند، در عبادت به کار برد و به ما سپرد.

کتاب مقدس هدیه‌ای است که ما آن را از کلیسای رسولی دریافت کرده‌ایم؛ و کلیسا، به نوبه خود، آن را نه به‌عنوان مالک کلام خدا، بلکه به‌عنوان امین و حافظ آن، از نسلی به نسل دیگر...